

گروه خطر و تغییر تاکتیک جنگی گروه طالبان

سرمقاله

چرا طالبان قدرتمندتر می شود؟

حفیظ الله زکی

علیرغم شعارهایی که داده می شود، ناامنی همه روزه دامنه دار شده و مناطق بیشتری را تحت تأثیر قرار می دهد. برخلاف آنچه ادعا می شود، طالبان ابتکار عمل بیشتری در راه اندازی عملیات ها، گروگانگیری ها، حملات انتحاری و کنترل جاده ها و سرک ها دارند. ناامنی تا چند سال قبل به چند ولسوالی محدود می شد، اما امروزه بسیاری از ولایت های کشور را دربر گرفته است. در حال حاضر نه تنها تعدادی از ولسوالی ها به دست طالبان سقوط کرده است که حتی مراکز شهرها نیز در معرض تهدید طالبان قرار گرفته است.

ولایت های کندهار، فراه و هلمند از لحاظ امنیتی در وضعیت بسیار بدی قرار دارند. در تعدادی از ولسوالی های اطراف گروه طالبان جایجا شده و احتمال حمله طالبان بر مراکز ولایات هر لحظه بیشتر می شود. به همین دلیل مردم مجبور می شوند خانه های شان را ترک گفته و به شهرهای دیگر پناه ببرند. در شرایطی که مردم از فقر اقتصادی رنج می برند و ادامه زندگی برای شان تلخ و دشوار گردیده است؛ ناامنی و کوچ اجباری مشکلات طاقت فرسا و پیش بینی نشده ای را برای آنان رقم می زند.

مردم افغانستان چهاردهه است که رنج مهاجرت را تحمل می کنند و چهار دهه است که درد حقارت در کشورهای بیگانه را با تمام وجود احساس کرده اند. تعدادی از این مردم در سال های اخیر از کشورهای خارج به وطن بازگشته اند، تا شاید امنیت در سایه یک نظام کارا و پاسخگو در کشورشان باز گردد، اما بی خبر از این که امنیت افغانستان امروزه با مسایل بسیار پیچیده و چند لایه سیاسی گره خورده است. طی این سال ها همه فهمیده اند که فرار و فرود های امنیتی بیشتر معلول سیاست های دو پهلوئی است که در پشت پرده و به دور از چشم مردم گرفته می شود.

وقتی از لحاظ تعداد، برخورداری از مهارت های نظامی، آموزش های مسلکی، تجهیزات و امکانات لجستیکی و پشتیبانی هوایی، نیروهای امنیتی نسبت به افراد گروه طالبان وضعیت بهتری داشته باشد، دیگر شکست این نیروها از سوی طالبان توجیه پذیر نمی باشد؛ مگر این که رهبری نیروها ضعیف و ناکارآمد باشد و یا مساله حیانت و معامله با دشمن در میان باشد. البته این اتفاق افتاده است که فرمانده نیروهای امنیتی با صحنه سازی های کاذب، منطقه را رها کرده و پایگاههای خود را با تمام سلاح، مهمات و امکانات نظامی اش در اختیار طالبان قرار داده است و یا در زمان جنگ بعضی از نیروهای امنیتی به دشمن تسلیم شده و تاکتیک ها و معلومات نظامی را در اختیار آنها قرار می داده اند.

اگر چه در مسایل نظامی این اتفاقات بسیار سنگین و خسارت بار می باشند که باید پیش از وقوع چنین حوادثی از آنها جلوگیری شود، اما این خسارت ها محدود بوده و به زودی قابل جبران می باشد. مساله امنیت زمانی پیچیده و دشوار می شود که نیروهای امنیتی با روحیه عالی و انگیزه های قوی در برابر دشمن ایستادگی کنند؛ اما در مراحل حساس اجازه پیشروی و تعقیب دشمنان به آنها داده نشود و برخلاف قواعد نظامی به عقب نشینی نیروها دستور داده شود.

سیاست حکومت همواره در قبال گروه های تروریستی متفاوت و دوگانه بوده است. در حالی که بیشترین کشتارها، انفجارها، انتحارها، گروگانگیری ها و کارگزاری مین های کنار جاده از سوی طالبان سازماندهی شده است و مسئولیت نود فیصد حملات خونین را گروه طالبان به عهده می گیرد؛ اما حکومت طالبان را گروه تروریستی نمی داند. این که چرا بسا طالبان به عنوان گروه تروریستی بر خورد نمی شود و چرا در قبال خشونت ها و کشتارهای طالبان، سیاست تساهل، گذشت و مدارا در پیش گرفته می شود؟ سوآلی است که سال ها ذهن مردم افغانستان را به خود مشغول داشته است. حکومت وحدت ملی گر چند سیاست های روشنی را در قبال سایر گروه های تروریستی اتخاذ کرده است، ولی باز هم برخورد حکومت در برابر طالبان از وضاحت و شفافیت برخوردار نیست. دلیل عمده قوت طالبان در همین سیاست های چند لایه نهفته است و نه در ناتوانی نیروهای امنیتی.

نیروهای امنیتی افغانستان از سال ۲۰۱۴ به این سو، مسئولیت تأمین امنیت افغانستان را از نیروهای بین المللی به عهده گرفت. در این مدت نیروهای امنیتی کشور دستاوردها و ناکامی های داشته است. دستاوردها ریشه در مهارت و آموزش آن ها دارد اما ناکامی ها بیشتر ریشه در تاکتیک ها، استراتژی در سطح کلان دارد. در واقع، ناکامی های نیروهای امنیتی کشور بیش از آنکه ریشه در ضعف آن ها داشته باشد بیشتر ریشه در استراتژی و تاکتیک ها دارد که از سوی مقامات نظامی و سیاسی اتخاذ می شود و پاسخگوی میدان جنگ نیست. در عین حال، بخش از ناکامی ها ریشه در ضعف حکومت و نگاه های امنیتی در رساندن کمک ها تسلیحاتی و غذایی به نیروهای امنیتی کشور است. در واقع، از این جهت، می توان گفت که نیروهای امنیتی کشور به سطح از مهارت و توانایی دست یافته اند که قادر به سرکوب گروه های شورشی می باشند اما، مشکل اساسی در سطح بالاتر است. در اندیشه و تفکر نخبگان سیاسی نسبت به گروه های شورشی.

در این مدت که نیروهای امنیتی کشور موفق شده است تا نظام سیاسی و بخش از خاک کشور را از تصرف گروه های شورشی حفظ کند در طرف دیگر، گروه های شورشی نیز به این باور رسیده است که با تاکتیک های کنونی شان قابل به مبارزه و جنگ بسا نیروهای امنیتی افغانستان نیست. به همین خاطر، گروه طالبان دست به آموزش بسه منظور بالا بردن توانایی رزمی نیروهای زده است. سال گذشته، گروه ۲۰۰ نفری به ولسوالی سنگین ولایت هلمند حمله نمودند که توانایی رزمی بالایی داشتند. نقش این گروه ۲۰۰ نفری برای گروه طالبان به زودی مورد توجه قرار گرفت. این گروه بعد از آن تلاش نمودند تا نیروهای را آموزش داده و به میدان جنگ بفرستد تا بتواند نتایج بهتری به دست آورد. اگر چه گزارش های موقت از تعداد نیروهای آموزش دیده گروه طالبان در جنوب کشور

رحیم حمیدی



وجود ندارد اما، به نظر می رسد که تعداد نیروهای آموزش دیده و با مهارت بالا در جنوب کشور به ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر می رسد. گروهی که به نام گروه خطر مشهور شده است. این گروه، اکنون در ولایت هلمند در برابر نیروهای امنیتی کشور می جنگد و بر اساس برخی گزارش ها موفق شده است پیشروی قابل توجه نماید. در آخرین گزارش ها این گروه موفق شده است به مرکز ولایت هلمند نزدیک شود. این نشان می دهد که گروه طالبان تغییری در نحوه و تاکتیک جنگی خود به وجود آورده است. این ها، بدون آموزش نمی توانستند در برابر نیروی آموزش دیده نیروهای امنیتی افغانستان مقاومت نمایند. به همین خاطر، گروهی را ایجاد نموده است با آموزش و مهارت رزمی وارد میدان جنگ می شود. در دهه ۱۹۹۰، گروه طالبان نیروی آموزش دیده نداشت. بخش قابل توجه از نیروهای رزمی گروه طالبان را افرادی تشکیل می داد که از مدارس سنتی پاکستان و افغانستان به این گروه پیوسته بود. در آن زمان، گروه طالبان بدون محاسبه و به صورت گله ای به سمت دشمن حمله می کرد و بدون محاسبه

وجود ندارد اما، به نظر می رسد که تعداد نیروهای آموزش دیده نیروهای امنیتی افغانستان کمتری از آموزش دهی نیروهای رزمی این گروه دست است. بنا بر این، آموزش نیروهای رزمی برای این گروه یک امر ناشناخته و جدید بود. تجربه و جنگی اعضای گروه طالبان محدود به تعدادی افرادی می شد که در برابر نیروهای قشون سرخ شوروی جنگیده بود. با این حال، این گروه کمتر فرصت انتقال تجربه رزمی به نیروهای جدید خود را داشت. اکنون این گروه در صدد بر کردن خلاء ها است. نیروی آموزش ندیده و بدون مهارت از مهمترین خلاء های گروه طالبان بود. به نظر می رسد این گروه بر این خلاء واقف شده باشند و به همین خاطر، به دنبال آموزش دادن و بالا بردن مهارت رزمی نیروهایش است. حالا که گروه طالبان به دنبال آموزش دادن نیروهایش است جنگ شک، تلفات نیروهای امنیتی کشور بالا می رود و نیروهای امنیتی با مقاومت بیشتری مواجه می گردد. پرسش اما، این است که

چه باید کرد؟ نیروهای امنیتی کشور در برابر نیروهای آموزش دیده چگونه می تواند پیروز میدان گردد. حکومت افغانستان بدون شک امکانات بیشتری نسبت به یک گروه شورشی دارد. با توجه به امکانات زیاد، حکومت می تواند نیروهایش را بیشتر آموزش دهد و سطح مهارت نیروهایش را بالاتر از سطح نیروهای گروه شورشی ببرد. این جای کار، حکومت افغانستان آن طور که باید به امر آموزش و بالا بردن مهارت نیروهایش توجه ننموده است. پلیس ملی کشور به لحاظ رزمی پایین تر از گروه های شورشی قرار دارد. نیروهای ارتش کشور در وضعیت بهتری از پلیس قرار دارد اما، نیاز است تا هم به آموزش پلیس و هم اردو بیشتر توجه صورت گیرد. افراد جدید الشمول در صفوف ارتش و پلیس کشور مدت زمانی بیشتری را صرف آموزش نماید تا در موقعیت های مختلف بتوانند بجنگند. حکومت افغانستان در جنگ با یک گروه آموزش دیده و با مهارت بیش از پیش نیازمند نیروی هوایی مجهز می باشد. زیرا، مهارت گروه طالبان هر قدر بالا باشد قادر

آدم ربایی؛ از راه در آمد تا ابزار انتقام!

مهدی مدیر



جنایت های می زنند ناخواسته و از ناچاری به دام گروه و باند های مافیایی می افتند و توسط آنها مجبور به انجام فجیع ترین جرایم می شوند. گروه های مافیایی و آدم ربایان مشهور، برای جذب افراد بی سواد و فقیر، در ابتدا آنها را وسوسه می کند و برای شان از زندگی و سرنوشت خوب سخن می گویند. اما همینکه آنها را آلوده به جرایم اجتماعی کرد، هر نوع ظلم و ستم و همچنان هر نوع جرم را توسط آنها انجام می دهند. همچنان یکی دیگر از دلایل اختطاف ها و آدم ربایی ها با ماهیت اقتصادی می تواند سرکوب و ورشکست نمودن رقیب اقتصادی باشد. رقابت ناسالم اقتصادی سرمایه داران و تاجران می تواند منجر به جرایم اجتماعی شود. آنها با استفاده از پول و امکاناتی که دارند افرادی بیکار و فقیر را استخدام می کنند تا یکی از بستگان رقیب اقتصادی شان را اختطاف کنند و از خانواده پول هنگفت مطالبه کند تا از یک سو آنها

آرامش اجتماعی خود را از دست بدهند و از سوی دیگر در کار اقتصادی شان ضربه وارد شود و از آن به بعد نتوانند با آرامش خاطر به کار و فعالیت بپردازند. معلوم نیست دو استاد دانشگاه خارجی که کدام انگیزه ی ریوده شده اند، اما بدون تردید هدف اقتصادی یکی از احتمالات قوی است. اما بخش بزرگ از این قضیه بر می گردد به بی مسئولیت و کوتاهی دولت افغانستان در تأمین امنیت شهروندان و همچنان افرادی که برای کار به افغانستان می آیند. طوری که گفته شده است افرادی که این دو شهروند خارجی را ربوده اند از یونیفورم نیروهای امنیتی افغانستان استفاده کرده اند و با استفاده از این لباس دست به چنین جنایتی زده است. حکومت افغانستان و مسئولین امنیتی باید در این باره پاسخگو باشند که چگونه آدم ربایان می توانند به یونیفورم نیروهای امنیتی کشور دست یابند و از آنها برای مقاصد شوم شان استفاده کنند؟ چرا با کسانی که بصورت غیرقانونی یونیفورم نیروهای امنیتی را خرید و فروش می کنند، برخورد جدی صورت نمی گیرد؟ مسئله دیگر این است که نهادهای امنیتی کشور باید از فروش خودسرانه اسلحه در شهرهای کشور جلوگیری کنند. دسترسی آسان به اسلحه می تواند میزان جرایم اجتماعی را افزایش دهد و امنیت جامعه و شهروندان کشور را بیشتر تهدید نماید. چنانچه آدم ربایی کسم کم به یک کابوس برای شهروندان کشور تبدیل می شود و هیچ کس نمی تواند با آرامش خاطر در شهرهای بزرگ کشور گشت و گذار و یا زندگی کند.

روز یک شنبه دو شهروند خارجی از شهر کابل ربوده شدند. مقامات پولیس کابل گفتند که این دو شهروند استاد دانشگاه آمریکایی افغانستان بودند. گفته می شود آدم ربایان هنگام ربودن این دو شهروند خارجی از یونیفورم نیروهای امنیتی کشور استفاده کرده اند. در چند ماه اخیر چندین واقعه آدم ربایی در کشور رخ داده است. چند ماه پیش یک امداد رسان هندی در کابل ربوده شد، بعد از آن هم یک زن امداد رسان آسترالیایی در شهر جلال آباد ربوده شد. چند روز قبل نیز افراد مسلح بالای ده توریست خارجی در شهر هرات در جنوب غرب کشور حمل کردند که شش نفر آنها به همراه راننده شان، زخمی شدند.

کارتون روز

پدیده ی آدم ربایی، یکی از معضل های جدی امنیتی - اجتماعی است که اکنون در کلان شهرهای کشور به شکل بی روهی ای افزایش یافته است. آدم ربایی مثل یک پدیده ی تروریستی، برخاسته از خواست های ایدئولوژیک و بنیادگرایانه نیست، بلکه بر اساس نزاع ها و خصومت های فردی، خانوادگی و اجتماعی و همچنان اقتصادی انجام می شود. چندی پیش در هرات، دو فرد به اتهام اختطاف و آدم ربایی محکوم به اعدام شد. این اقدام، از یک سو نقطه ی امیدواری را در جدیت مقابله با نا امنی های اجتماعی، به میان آورد و از سوی دیگر، پرسشی را به وجود می آورد که آیا جزای اعدام می تواند به کاهش جرایم اجتماعی همچون اختطاف و آدم ربایی کمک کند؟ در این یادداشت به دنبال پاسخ دادن این پرسش نمی رویم، آنچه که مهم است علت پیدایش و افزایش آدم ربایی در کلان شهرهای کشور است که باید آن را به عنوان یک تهدید برای امنیت اجتماعی جدی گرفت، عوامل و انگیزه هایی آن را جستجو کرد و برای حل و از میان برداشتن آن با راه های معقول و واقع بینانه ای را باید سنجید. آنچه که تا هنوز مشاهده شده است، اختطاف ها و آدم ربایی ها در شهرهای بزرگ افغانستان و دیگر نقاط کشور، بسا دو انگیزه ی مهم، صورت می گیرند: خصومت های خانوادگی، قومی و قبیله ی و درآمدهای اقتصادی. سالیان جنگ و خونریزی بنیادهای روابط اجتماعی را بر هم زده و تناقض ها و



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اسلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷ - ۱۳۸